

رهیافتی بر تشخیص احادیث زمانمند و غیرزمانمند

علی حسن بیگی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

در میان دانش‌های حدیثی، «فقه‌الحدیث» از جایگاه رفیعی برخوردار است. بر این پایه، دانشیان حدیث با کاربرد قواعد فهم حدیث، تلاش کرده‌اند تا حدیث، روشمندانه فهم گردد. از سوی دیگر همواره فهم حدیث دچار آسیب‌هایی گشته است. «تعمیم‌گرایی» یا تسری دادن آموزه حدیثی درباره فرد، گروه، زمان و مکان خاصی به افراد، گروه‌ها، زمان‌ها و مکان‌های دیگر از آسیب‌هایی است که گاه فهم مقصود اصلی گوینده را تهدید می‌کند. این نوشتار درصدد راه‌های تشخیص گزاره‌های حدیثی «تعمیم‌ناپذیر» از گزاره‌های حدیثی «تعمیم‌پذیر» و بررسی زمینه‌های پدیداری «تعمیم‌گرایی» است. با توجه به شأن صدور، تصریح معصوم، بی‌تأثیری رفتاری در زمانی دیگر، نبودن مصداق در شرایط امروزی، متکلم بودن پیامبر و امام و توجه به مَصَب حدیث می‌توان به تفکیک میان گزاره‌های حدیثی «تعمیم‌پذیر» از «تعمیم‌ناپذیر» اقدام کرد.

واژگان کلیدی: تعمیم‌پذیری، تعمیم‌ناپذیری، حدیث، راهکارها، زمینه‌ها.

۱. مقدمه

فهم روشمند حدیث، همواره یکی از دغدغه‌های دانشیان حدیث بوده است. آنان با کاربری قواعد حدیث در صدد دستیابی به فهم مقصود اصلی گوینده احادیث هستند. از سوی دیگر، همواره فهم مقصود اصلی گوینده دچار آسیب‌هایی است، از قبیل: اشتراک لفظی، تقیه، دگردیسی معنایی برخی از واژه‌ها، آمیختگی معنای لغوی و اصطلاحی. یکی از آسیب‌های مهم فهم حدیث «تعمیم‌گرایی» است. گسترش و سرایت دادن آموزه و حکمی خاص بر پایه گزاره حدیثی به موارد دیگر، «تعمیم‌گرایی» نامیده می‌شود.

از سوی دیگر، پس از آشنایی دانشیان مسلمان با تمدن جدید و دانش‌هایی از قبیل: تجربی، حقوق، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی؛ پرسش‌هایی پدید آمد. آنان میان موضوعاتی از قبیل: برده‌داری، جهاد ابتدایی، قصاص، حجاب زنان، رجم، لزوم پرداخت دیه قتل خطایی بر عاقله؛ با فراورده‌های دانش‌های مذکور تعارض دیدند. برای آنان این نکته مطرح بود که شریعت ثابت با تحولات جامعه چگونه امکان‌پذیر است؟ علامه طباطبایی، مرتضی مطهری، سیدمحمد باقر صدر، محمد عبده، مودودی، محمد قطب و جعفر سبحانی، با طرح اختصاص شریعت ثابت، به جنبه‌های ثابت زندگی انسان و تعیین جنبه‌های متغیر بر عهده انسان و حکومت، در صدد رفع ناسازگاری میان آموزه‌های دینی با فراورده‌های دانش بشری بر آمدند [۷۱، صص ۵۴-۴۶]. به عبارت دیگر، آنان با طرح مؤلفه‌هایی از جمله آموزه‌های دینی ثابت و غیر ثابت، نسبی و مطلق، تفاوت میان احکام و مقررات، جاودانگی آموزه‌ها در حوزه عبادات و زمانمندی در حوزه معاملات، کوشیدند به پرسش‌های مذکور پاسخ دهند [۷۱، صص ۱۸۷، ۲۳۸-۲۳۹؛ ۶۵، ج ۴، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ ۴۷، ش ۱۵ و ۱۶، صص ۷۸-۷۹]. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دانشیان مذکور با تقسیم احکام و آموزه‌های دینی به حکومتی و غیر حکومتی، ثابت و متغیر و نیز احکام و مقررات، به تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری آموزه‌های حدیثی اذعان کردند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند، خلط میان گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر (زمانمند) با گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر (غیر زمانمند) از آسیب‌های جدی فهم حدیث است. با دقت در راهکارهای ارائه شده از سوی دانشیان مسلمان، روشن می‌گردد که این راهکارها، همگی کلی و مبهم هستند. پژوهش پیش‌رو، به واکاوی زمینه‌ها و راه‌های تشخیص گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر از گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر اقدام کرده است.

۲. مفهوم‌شناسی حدیث

واژه «حدیث» در اصطلاح، عبارت است از گزاره‌ای که از قول، فعل و تقریر معصوم حکایت می‌کند [۵۵، ص ۸۰]. گفتنی است در این نوشتار، معنای اخص حدیث (قول معصوم) مقصود نیست، بلکه معنای عام آن (قول، فعل و تقریر معصوم) مورد نظر است.

۳. پیشینه تعمیم‌گرایی و تعمیم‌ناگرایی از سوی مسلمانان در احادیث

تلقی تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری گزاره‌های دینی و حدیثی؛ دارای پیشینه دیرینه‌ای است. امام علی (ع) پس از گونه‌شناسی احادیث، با بیان نسخ در حدیث [۴۵، ص ۳۲۵؛ ۸۰، ج ۱، ص ۶۳؛ ۵۶، ۱۴۱۶، ج ۱، ۳۵۵]؛ به تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری احادیث اشاره می‌کنند. طبق گزارش‌هایی، مسلمانان در عصر حضور معصوم تصور می‌کردند که برخی از آموزه‌های حدیثی تعمیم‌پذیر است. برای مثال: از پای درآوردن کفش نجس از سوی پیامبر، در نماز جماعت و تصور مردم به لزوم پیروی در این کار [۴۴، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ۱۸، ج ۱، ص ۱۵۲]؛ تلقی همیشگی از دستور پیامبر در خضاب کردن محاسن [۴۵، ص ۴۷۱]؛ تلقی حرمت ابدی خوردن گوشت الاغ [۸۰، ج ۶، ص ۲۴۶]؛ تلقی ضرورت پوشیدن لباس کهنه از سوی امام [همان، ج ۱، ص ۴۱۱]؛ تلقی ضرورت وارد نشدن همه افراد در فتنه‌ها [۶۷، ج ۴، ص ۴۸۳]؛ عذاب نشدن همه فرزندان حضرت فاطمه [۶۱، ص ۱۰۶]؛ عدم تعیین زکات برنج از سوی پیامبر [۶۸، ج ۴، ص ۶۵] و خواندن نماز پشت سر اهل سنت^۱ در شرایط تقیه [همان، ج ۳، ص ۲۸؛ ۶۰، ج ۱، ص ۲۵۰؛ ۸۹، ج ۵، صص ۲۰۴-۲۰۶]؛ همگی با توضیح معصوم (ع) و برخی صحابه پیامبر (ص) در منابع مذکور، بر تعمیم‌ناپذیری آن احادیث دلالت دارد.

بر پایه گزارش‌هایی، به‌زعم دیدگاه برخی صاحب‌نظران، تعدادی از آموزه‌های حدیثی انحصاری هستند. برای مثال، توصیه پیامبر به شیر دادن همسر ابوحنیفه به سالم به منظور محرمت [۸۱، ج ۴، ص ۸۷۴]؛ مجازات شخصی که به داخل خانه چشم دوخته بود

۱. دو نکته قابل یادآوری است: ۱. آیت‌الله خویی درباره روایات نماز خواندن پشت سر اهل سنت، به نکته‌ای فقه‌الحدیثی اشاره می‌کند. او می‌گوید: در روایاتی که به خواندن نماز همراه اهل سنت توصیه شده است، اقتدا به آنان مطرح نگردیده، بلکه همراهی با آنان توصیه شده است [۴۲، الطهاره، ج ۴، ص ۳۱۲]. ۲. در روایت معتبر نهی شده که در غیر شرایط تقیه، پشت‌سر غیر امامی مذهب نماز خوانده شود [۷۹، ج ۳، ص ۳۷۳؛ ۵۹، ج ۱، ص ۲۴۸؛ ۸۹، ج ۵، صص ۲۰۴، ۲۰۶].

[۸۰، ج ۷، ص ۲۹۳]: ازاله موی زیر بغل توسط نوره از سوی امام (ع) [همان، ج ۴، ص ۳۲۸]: از طرف همسران پیامبر و شاگردان امامان؛ آموزه‌هایی انحصاری تلقی شده بودند.

۴. دانشیان و تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری گزاره‌های حدیثی

در میان دانشیان حدیث نیز تعمیم‌گرایی دارای پیشینه دیرینه‌ای است. برای مثال: مرحوم صدوق در قرن سوم و چهارم، احادیث طبری را تعمیم‌ناپذیر تلقی کرده است [۶۳، صص ۱۱۵-۱۱۶]. این نکته گویای آن است که برخی از عالمان، احادیث طبری را تعمیم‌پذیر می‌دانستند. از سوی دیگر، رویکرد تعمیم‌ناپذیری برخی از گزاره‌های حدیثی، در میان عالمان پیشین مطرح بوده است. برای مثال شیخ مفید در قرن چهارم احتمال می‌دهد، نهی امام علی (ع) از ورود در بحث قضا و قدر به گروهی اختصاص دارد، نه به همه [۹۷، ص ۵۷]. در قرن پنجم، شیخ طوسی یکی از راهکارهای رفع تعارض میان روایات را تعمیم‌ناپذیری حکم، به موارد دیگر دانسته است [۶۸، ج ۹، ص ۲۳۵]. پس از شیخ طوسی، دانشیانی از قبیل فاضل آبی (متوفای ۶۷۲ق)، ابن فهد حلی (متوفای ۸۴۱ق)، شهید ثانی (متوفای ۹۶۶ق)، محقق اردبیلی (متوفای ۹۹۳ق)، صاحب حدائق (متوفای ۱۱۸۶ق)، کاشف‌الغطا (متوفای ۱۲۲۸ق)، صاحب ضوابط (متوفای ۱۲۶۲ق)؛ در آثار خویش، نسبت به برخی از آموزه‌های حدیثی با تعبیر «قضیه فی واقعه»، به تعمیم‌ناپذیری برخی گزاره‌های حدیثی اشاره کرده‌اند [۲۴، ج ۲، ص ۵۰۸؛ ۱۲، ج ۳، ص ۸۳؛ ۵۲، ج ۲، ص ۲۶۷؛ ۹۱، ج ۱۴، ص ۱۷۹؛ ۲۶، ج ۲۱، ص ۱۰۶؛ ۷۸، ج ۲، ص ۱۰۳؛ ۲۸۱؛ ۳۴۰]. در دوره معاصر، محقق نائینی با طرح قضیه خارجی و حقیقه به تعمیم‌ناپذیری و تعمیم‌پذیری گزاره‌های حدیثی اذعان کرده است [۷۹، ج ۱، ص ۱۷۰]. برخی عالمان، با بیان مصادیق گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر، به روشن شدن دو گونه گزاره‌های حدیثی مذکور کمک کرده‌اند. برای مثال آنان با بیان اختصاص اقامه حدود شرعی و نماز جمعه به امام معصوم [۴۸، ج ۱، ص ۲۷۲؛ ۲۲، ج ۱، ص ۱۷؛ ۲۶۲، ج ۴، ص ۲۷۳؛ ۲۱، ص ۱۱۹، ۱۴۷؛ ۵۳، ج ۱، ص ۱۰۳؛ ۴۱، ج ۵، صص ۴۱۱-۴۱۲]؛ اختصاص حرمت غنا به غنای معمول در دوره امویان و عباسیان که با لهو و لعب و اختلاط نامحرمان همراه بوده است [۷۵، ج ۱۷، ص ۲۱۸]؛ ناظر بودن ممانعت از رفتن همسر به حمام در شرایط خاص [۸۶، ج ۲۲، ص ۴۰۴]؛ مشروعیت جهاد ابتدایی به حضور و اذن امام معصوم [۷۷، ج ۱، ص ۴۰۲؛ ۳۹۵]؛ شرایط خاص و همانندی ثواب

زیارت قبر عبدالعظیم حسنی با زیارت قبر امام حسین [۱۳، ص ۳۳۸؛ همان]، شرایط خاص و نهی از فروختن مصحف [۸۰، ج ۵، ص ۱۲۱]؛ شرایط خاص و نهی از معامله با کردها [همان، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ۷۱، صص ۱۲۶-۱۲۷]؛ شرایط خاص و اختلاف در ثواب زیارت امام حسین (ع) [۱۳، صص ۱۶۷-۱۷۲؛ همان، پاورقی، ص ۱۶۸]؛ شرایط خاص در انحصار زکات به نه مورد [۳۳، ص ۸۷؛ ۱۰۱، ج ۲، ص ۶۴۵]؛ شرایط خاص و مصادیق پرداخت دیه [۷۴، ص ۱۷۰]؛ شرایط خاص و نهی از کتابت حدیث از سوی پیامبر [۵۴، ص ۲۰]؛ شرایط خاص و ملی قلمداد کردن آب، مرتع و آتش از سوی پیامبر [۷۱، صص ۲۵۴-۲۵۵]؛ شرایط خاص و گفتن برخی از اذکار و اوراد [۱۰۴، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ۳۶، ص ۴۰۴؛ ۳۷، ج ۱، صص ۴۶۱، ۵۴۲]؛ شرایط خاص و مذمت و نکوهش برخی از شهرها [۱۰۰، ج ۹، صص ۲۳۵-۲۳۴]؛ شرایط خاص و نهی از معامله مابین الطلوعین^۱ [۶۰، ج ۴، ص ۲۶۶]؛ تقیه و توصیه به نماز خواندن پشت سر اهل سنت [۳۴، ج ۵، ص ۳۸۱] و شرایط خاص و ترجیح حج بر جهاد [۴۲، ج ۲، ص ۴۱۱]؛ صریحاً به تعمیم‌ناپذیری برخی گزاره‌های حدیثی اذعان کرده‌اند.

۵. گونه‌شناسی احادیث بر پایه شئون معصوم (ع)

پیش از تعیین قلمرو تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری حدیث و راه‌های تشخیص آن، لازم است حدیث، گونه‌شناسی گردد. قابل یادآوری است بر اساس شئون معصوم (ع) آموزه‌های آنان که در قالب حدیث به ما منتقل شده، چند گونه است.

۱.۵. مشاوره

یکی از شئون معصوم، مشورت دیگران با اوست. برخی افراد به او مراجعه کرده و از نظر مشورتی او بهره برده‌اند. برای مثال معصوم (ع) به دعا کردن زن حائض برای پاک شدن به منظور زیارت قبر پیامبر (ص) توصیه می‌کند [۸۰، ج ۴، ص ۴۵۳؛ ۳۴، ج ۹، ص ۵۰۹]. ارائه راهکار طلاق از سوی امام به شخصی که همسر بد اخلاقی دارد [۸۰، ج ۶، ص ۵۶؛ ۳۴، ج ۹، ص ۵۰۹]؛ توصیه به خوردن کباب برای رفع بیماری [۸۰، ج ۶، ص ۳۱۹]؛ توصیه به استغفار به منظور بچه‌دار شدن [۸۵، ج ۷۷، ص ۲۲۱] و توصیه به استغفار و خوردن تخم‌مرغ با پیاز برای ازدیاد قدرت باروری مرد [۳۴، ج ۱۷، ص ۵۸]؛ همگی

۱. فاصله زمانی میان طلوع صبح و طلوع آفتاب را بین‌الطلوعین گویند.

نمونه‌هایی از راهکارهای مشورتی از سوی امام (ع) است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، همه این راهکارها صرفاً جنبه ارشاد دارد. در نتیجه اگر شخص ارشاد امام (ع) را به کاربندد، در قیامت مواخذه نمی‌گردد.

۲.۵. رهبری

شان دیگر پیامبر و امام، «رهبری» است. سخنانی که از جایگاه رهبری جامعه صادر می‌شود، به احکام و گزاره‌های حکومتی موسوم است. قابل ذکر است که احکام دینی دو گونه‌اند:

۱،۲،۵. «احکام اولیه» یا همان قوانینی که کلی و در قالب «قضیه حقیقیه»، تشریح شده‌اند. برای مثال تعداد رکعات نمازها از احکام اولیه است و لذا غیر قابل تغییر است.

۲،۲،۵. «احکام حکومتی»، یا همان احکامی که در شرایط خاصی تشریح گردیده که از قبیل «قضیه خارجی» اند. این احکام تعمیم‌ناپذیرند. علامه طباطبایی احکام حکومتی را احکامی می‌داند که پیشوای مسلمانان در سایه قوانین شریعت و بر پایه مصلحت، آن‌ها را تشریح می‌کند [۶۶، ج ۴، صص ۱۲۸-۱۲۹]. در ذیل به نمونه‌هایی از احکام حکومتی اشاره می‌شود:

دستور پیامبر مبنی بر پیوستن مسلمانان به سپاه اسامه [۱۰، ج ۱، ص ۵۲۱]؛ هروله کردن هنگام طواف به دستور پیامبر پیش از فتح مکه [۳۴، ج ۹، ص ۴۲۹، همان، ج ۵، ص ۳۷۶]؛ لزوم شرکت همسایه مسجد در نماز جماعت [همان، ج ۵، ص ۳۷۶]؛ لزوم رنگ کردن محاسن [۴۵، ص ۴۷۱]؛ نخواندن نماز میت بر بدهکار از سوی پیامبر [۳۴، ج ۱۳، ص ۱۵۱، همان، ج ۱۳، ص ۱۵۱]؛ منع ذخیره‌سازی گوشت قربانی بیش از سه روز [همان، ج ۱۰، ص ۱۴۹]؛ ممانعت از ساختن دیوار بر باغ‌های مدینه [همان، ج ۶، صص ۱۳۹-۱۴۰]؛ ممانعت از تجارت حکیم بن حزام [همان، ج ۱۲، ص ۲۸۶]؛ نهی از خوردن گوشت الاغ [همان، ج ۱۴، ص ۴۴۱]؛ انحصار احتکار در شش مورد [همان، ج ۱۲، ص ۳۱۴]؛ بستن زکات بر اسب و تقسیم بیت‌المال در آخر هر هفته از سوی امام علی [۱۰۲، ج ۲، صص ۶۴۵، ۳۳، ص ۸۷، ۸۰، ج ۳، ص ۵۳۰، ۳۴، ج ۱۱، ص ۸۳، ۲۳، ص ۱۲۲]؛ همگویی از مصادیق حکم حکومتی و در نتیجه مقطعی و در شرایطی دیگر قابل تغییر هستند.

۳.۵. قانونگذاری و تبیین

«قانونگذاری» و «تبیین»، شان دیگر معصوم (ع) است. بر این اساس، سخنانی از جنبه قانونگذاری و تبیین دین از سوی معصوم (ع) صادر می‌شود. در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱.۳.۵. در حدیثی صحیح امام باقر(ع) نماز خواندن زنان را در مسجدالحرام، در حالی که بر مردان پیشی گرفته‌اند، بلامانع می‌داند [۵۷، ج ۲، ص ۳۹۸].
 ۲.۳.۵. امام صادق(ع) فرمود: «آبی که به انداز گُر باشد، چیزی آن را نجس نمی‌کند» [۸۰، ج ۳، ص ۳].

۳.۳.۵. پیامبر(ص) فرمود: «هر مست کننده‌ای حرام است» [همان، ج ۶، ص ۴۰۷].
 ۴.۳.۵. پیامبر(ص) از معامله کردن در فاصله بین وقت طلوع فجر(اذان صبح) تا طلوع خورشید نهی کرد [۸۰، ج ۵، ص ۱۵۲؛ ۶۱، ج ۳، ص ۱۹۶].

۵.۳.۵. امام صادق(ع) فرمود: «پیامبر هفت رکعت بر نماز افزود» [۸۰، ج ۱، ص ۲۶۷].
 ۶.۳.۵. پیامبر(ص) فرمود: «دوستی علی(ع) حسنه‌ای است که با وجود آن، گناه زبانی نمی‌رساند و دشمنی علی گناهی است که با وجود آن، حسنه سودی ندارد [۸۵، ج ۳۹، ص ۲۶۶].

۷.۳.۵. امام جواد(ع) فرمود: «کسی که مزار پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد» [۸۰، ج ۴، ص ۵۸۵].

۸.۳.۵. امام رضا(ع) فرمود: «کسی که قبر ابی‌عبدالله(ع) در کنار فرات را زیارت کند، گویی خدا را بر بالای عرشش زیارت کرده است» [۱۳، ص ۱۴۷].
 گفتنی است به کار بستن احکام و آموزه‌های حدیثی که از مقام تشریح و تبیین از سوی معصوم صادر شده‌اند برای پیروان الزامی است.^۱

۶. قلمرو تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری گزاره‌های حدیثی

به‌زعم نگارنده، احادیثی که بر پایه شأن مشاوره‌ای و زعامت معصوم صادر شده‌اند؛ همگی زمانمند هستند و در شرایط مشابه، از راهکارهای مذکور استفاده می‌شود. بر این اساس، قلمرو تعمیم‌پذیری و تعمیم‌ناپذیری گزاره‌های حدیثی به احادیثی مربوط می‌شود که بر پایه شأن قانونگذاری و تبیین دین از معصوم صادر شده‌اند.

۱. قابل ذکر است که همگی آموزه‌های مذکور تعمیم‌پذیر و ابدی نیستند. برای مثال، فیض کاشانی روایات حرمت غنا را که از مقام تشریح و تبیین دین صادر شده، بر غنای زمان امویان و عباسیان ناظر می‌داند. در نتیجه تعمیم‌ناپذیر تلقی شده است. لذا این‌گونه باید گفت که برخی آموزه‌های مذکور (وجوب، حرمت، وعده ثواب، وعید، مذمت‌ها)، به شرایط مشروط است. برخی نیز، مشروط به شرایط نیستند؛ مثل طواف کردن خانه خداوند. بنابراین، آموزه‌هایی که از مقام تشریح صادر شده‌اند، همگی یکسان نیستند.

۷. راه‌های تشخیص گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر از گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر
از چند راه می‌توان گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر را از گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر تشخیص داد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۷. شأن صدور

«شأن صدور» از قرائن کلیدی است که بر فهم حدیث اثرگذار است؛ زیرا معصوم مثل هر متکلمی در شرایط خاصی سخن گفته‌اند و طبعاً توجه به فضای ایراد سخن بر فهم مصبّ سخن (موردی که نظر معصوم به آن است) گوینده اثرگذار است. به عبارت دیگر، یکی از کمک‌های شأن صدور، تفکیک میان قضیه خارجی و حقیقه است. توضیح آنکه برخی گمان می‌کنند از آنجا که همه آموزه‌های حدیثی از سوی معصوم (ع) صادر شده‌اند، احکام و توصیه‌های به کار رفته در آن‌ها، تعمیم‌پذیر هستند. در صورتی که بر اساس توجه به جغرافیای سخن، برخی از دستورها زمامند بوده و قابل سرایت به موارد دیگر نیستند [۳۵، صص ۱۳۴-۱۳۵]. برای مثال شخصی از امام موسی بن جعفر (ع) پرسید: آیا وقت بروز طاعون جایز است از شهر خارج شوم؟ امام فرمودند: «بله». او گفت: برای ما از پیامبر (ص) چنین روایت کرده‌اند که فرار از طاعون در حکم فرار در جنگ است. امام فرمود: «این سخن پیامبر در مورد مرزبانان کشور بوده است؛ زیرا اگر آنان بخواهند وقت بروز طاعون فرار کنند، مرز از سربازان خالی می‌شود» [۵۸، صص ۳۶۴؛ ۳۵، صص ۱۳۵]. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، پرسشگر گمان کرده است که گزاره حدیثی مذکور از قسم سوم (گزاره‌های تقنینی) آموزه‌های حدیثی است. در اینجا امام، با توضیح خویش، به حکومتی بودن آن آموزه تصریح کرده است. لذا با استفاده از شأن صدور، روشن می‌گردد، گزاره مذکور تعمیم‌ناپذیر است. در صورتی که اگر در حدیث مذکور شأن صدور نادیده گرفته شود، حکمی کلی استنباط می‌گردد؛ ولی با توجه به جغرافیای سخن، معلوم می‌شود که این حکم، کلی نیست و به گروهی خاص اختصاص دارد [۳۵، صص ۱۳۵].

۲.۷. تصریح معصوم (ع)

راه دیگر تشخیص گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر از گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر، تصریح معصوم به تعمیم‌ناپذیری گزاره حدیثی است. در ادامه به چهار مورد اشاره می‌شود:

۱.۲.۷. عمار ساباطی می‌گوید: امام صادق (ع) متعه را بر من و سلیمان بن خالد حرام کرد

و فرمود: «تا وقتی در مدینه هستید، مُتعه را بر شما تحریم کردم؛ زیرا شما زیاد با من دیدار می‌کنید، بیم دارم دستگیر شوید و بگویند یاران جعفر چنین هستند [۸۰، ج ۵، ۴۶۸].»

۲.۲.۷. محمد بن مسلم در حدیثی معتبر می‌گوید: از امام صادق(ع) در مورد بیرون بردن گوشت قربانی از منا پرسیدم. امام فرمود: «ما قبلاً می‌گفتیم که چیزی از آنجا بیرون نرود؛ ولی امروزه جمعیت بسیار شده‌اند؛ لذا بیرون بردن ایرادی ندارد» [۸۰، ج ۴، ص ۵۰۰؛ ۹۰، ج ۶، ص ۴۲۷].

۳.۲.۷. حضرت باقر(ع) می‌فرماید: «وقتی مسلمانان شهر نشین شدند و پول در میان مردم رایج شد، امیر المؤمنین(ع) دبه را که در زمان رسول الله(ص) صد شتر بود، بر درهم و دینار قرار داد» [۳۴، ج ۱۹، ص ۱۴۸].

۴.۲.۷. از علی(ع) در مورد این سخن رسول خدا(ص) که فرمود سالخوردگی و سفیدی موی محاسن را با خضاب کردن، دگرگون سازید و خود را به بیهود شبیه نکنید، پرسش شد؛ آن حضرت در پاسخ گفت: «جز این نیست که پیامبر(ص) در زمانی این سخن را گفت که شمار دینداران کم بود؛ اما اکنون دامنۀ دین وسعت یافته است. بنابراین، انسان است و آنچه بخواهد که خضاب بکند یا نکند» [۴۵، ص ۴۷۱].

۵.۲.۷. پیامبر(ص) به زنی فرمود: «عُمرة رمضان به جای آور که ثواب آن برابر حج است». شخصی به امام صادق(ع) گفت: به ما چنین رسیده که ثواب عمره ماه رمضان برابر با ثواب حج است. امام صادق(ع) فرمود: «این پاداش برای زنی است که رسول خدا(ص) به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان عمره به جای آور که ثواب آن برای تو با ثواب یک حج برابر است» [۸۰، ج ۴، ص ۵۳۵].

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام(ع) صریحاً به تعمیم‌ناپذیری این گزاره‌ها اشاره می‌کند.

۳.۷. بی‌تأثیری رفتاری در زمانی دیگر

گاه رفتاری در شرایطی، معنا و پیام خاصی به دیگران منتقل می‌کند؛ ولی در زمانی دیگر خاصیت خود را از دست می‌دهد، در نتیجه آن گزاره حدیثی «زمانمند» می‌گردد. برخی از آموزه‌های حدیثی از این قبیل هستند. برای مثال در احادیث، «تحت‌الحنک»^۱ توصیه شده است. مرحوم صدوق در ذیل حدیثی از پیامبر(ص) که می‌فرماید: «فرق بین مسلمان و مشرک انداختن تحت‌الحنک است» [۶۰، ج ۱، ص ۴۰۳]؛ می‌نویسد: این دستور در ابتدای

۱. باز کردن بخشی از دستار یا عمامه که پس از گذراندن از زیر چانه به دور گردن افکنده می‌شود.

اسلام صادر شد که تحت‌الحنک، سبب جدایی مسلمانان از مشرک بود [همان]. مرحوم محمد تقی مجلسی در ذیل حدیث مذکور و توضیح مرحوم صدوق می‌نویسد: «از حضرت سیدالمرسلین(ص) منقول است، فرق میان مسلمانان و کافران تحت‌الحنک عمامه‌ها بود. هر کسی که تحت‌الحنک داشت، مسلمان بود و هر که عمامه‌اش تحت‌الحنک نداشت، علامت کفر بود و به این علامت مسلمانان از کافران ممتاز بودند» [۸۴، ج ۳، ص ۴۲۶].

فیض کاشانی در این زمینه می‌نویسد: «امروزه انداختن تحت‌الحنک متروک گشته و در نتیجه انداختن آن مصداق لباس شهرت است» [۷۵، ج ۲۰، ص ۷۵۴]. براین اساس، شهید مطهری معتقد است، چون عمل مذکور امروزه آن پیام (جدایی مسلمانان از کافر) را ندارد، دارای موضوعیت نیست [۹۶، ج ۲۱، ص ۱۶۴].

۴.۷. نبودن مصداق در شرایط امروزی

گاه آموزه حدیثی بر پایه شرایط زندگی گذشته بیان شده است؛ ولی در زمان‌های بعدی به دلیل تغییر شرایط جامعه، مصداقی برای آن آموزه نیست و اجرای آن آموزه موضوعیت ندارد. در ادامه به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود:

۱.۴.۷. در احادیث «دیه قتل خطایی»، برعهده عاقله^۱ گذاشته شده است [۳۴، ج ۱۹، ص ۳۰۶]. به نظر می‌رسد امروزه حکم مذکور از قبیل «سالبه به انتفای موضوع» باشد؛ زیرا نظام زندگی امروزی در بسیاری از جوامع، قبیله‌ای نیست. بر این اساس، برخی دانشوران حکم مذکور را به عصری مربوط می‌دانند که نظام زندگی بر پایه قبیله بوده است. در چنین زیستی همه افراد در سود و زیان شریک هستند؛ ولی در نظام زندگی متفاوت از آن نظام، موظف بودن عاقله در پرداخت دیه قابل طرح نیست [۸۷، ج ۱۴، صص ۹۲-۹۳؛ ۷۴، ص ۷۲۹].

۲.۴.۷. در حدیثی معتبر، امام جواد(ع) به زیارت قبر امام رضا(ع) توصیه می‌کند. دلیل این تأکید آن بوده که زائران قبر امام حسین(ع) بسیار و زائران قبر امام رضا(ع)، اندک بودند [۶۲، ج ۲، ص ۲۵۶؛ ۹۰، ج ۶، صص ۵۱۴-۵۱۵].

به نظر نگارنده تعمیم‌ناپذیری حدیث مذکور روشن است؛ زیرا در عصر امام جواد(ع) زائران قبر امام رضا(ع)، اندک بودند، لذا این تأکید از سوی امام جواد(ع) صورت گرفته است؛ ولی امروزه زائران قبر امام رضا(ع) برابر و یا اندکی از آن کمتر است.

۳.۴.۷. براساس حدیثی معتبر، از امام رضا(ع): «هرکس در روز عاشورا کسب و کار خویش را تعطیل کند، خداوند حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می‌کند» [۶۰، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ۹۰، ص ۵۰۷]. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امروزه در ایران روز عاشورا تعطیل است؛ ولی تأمل در روایت گویای آن است که وعده مذکور در روایت، به شرایطی مربوط بوده است که در روز عاشورا کسب و کار رایج بوده و به تعطیل کردن این روز و عزاداری بر سالار شهیدان چندان تقید نبوده است؛ چنان‌که در بسیاری از کشورهای مسلمان این روز تعطیل نیست.

۵.۷. متکلم بودن امام و پیامبر و واقعیت تاریخی

راه دیگر برای جداسازی گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر از گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر، توجه به متکلم بودن پیامبر و امام از یک سو و شرایط خاص و توجه به واقعیت‌های تاریخی از سوی دیگر است. توضیح آنکه پیامبر یا امام، مثل هر متکلمی طبق شرایط مخاطب^۱ سخن می‌گوید. براین اساس، می‌توان ادعا کرد که برخی از گزاره‌های حدیثی، تعمیم‌ناپذیر و به شرایط خاصی ناظر هستند.^۲ در ادامه به برخی اشاره می‌شود:

۱.۵.۷. در روایات ثواب‌های فراوانی در فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد آمده است؛ از قبیل سنگین‌ترین عمل در ترازوی اعمال [۸۵، ج ۹۴، ص ۴۹]؛ کفاره گناهان [همان، ص ۴۷، ج ۴۷]؛ شرط اجابت دعا [همان، صص ۵۳-۵۴، ج ۲۱]؛ شرط استشمام بوی بهشت [همان، ص ۵۶، ج ۲۹] و برترین اعمال [همان، ص ۷۰، ج ۶۳]. به نظر می‌رسد

۱. رعایت شرایط مخاطب را می‌توان از حدیثی دانست که راوی به امام(ع) می‌گوید: آیا زکات به برنج تعلق می‌گیرد؟ امام می‌فرماید: «آری؛ چون مدینه زمان پیامبر سرزمین کشت برنج نبود، تا درباره تعلق زکات به آن گفت‌وگو شود» [۱۲، ج ۶، ص ۴۱]. در حدیثی دیگر امام(ع) فرمود: پیامبر(ص) نه مورد را متعلق زکات دانست و از غیر آن‌ها صرف‌نظر کرد. راوی می‌پرسد: آیا زکات بر ذرت تعلق می‌گیرد؟ امام فرمود: «غیر از آن مورد، موارد دیگری بود که پیامبر صرف‌نظر کرد و معنای صرف‌نظر کردن همین است که چیزی باشد تا از آن صرف‌نظر کرد» [همان، ص ۳۳]. ملاحظه می‌شود که آموزه‌ها بر پایه شرایط مخاطب اظهار گردیده است.

۲. پیش از این اشاره شد که نزد برخی دانشیان، آموزه‌های حدیثی حرمت غنا، نهی از فرستادن همسر به حمام، اجرای حدود، همانندی ثواب زیارت قبر عبدالعظیم حسنی با زیارت قبر امام حسین(ع)، نهی از معامله با کردها و نهی از معامله هنگام اذان صبح تا طلوع خورشید، همگی از گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر و به شرایط خاصی ناظر است.

این گزاره‌های حدیثی به شرایطی ناظر است که جامعه با خاندان پیامبر دارای روابط صمیمانه نبوده است؛^۱ مانند چهره عبوس قریش هنگام مواجهه با بنی‌هاشم، نفرستادن صلوات بر پیامبر (ص)، در چهل نماز جمعه از سوی ابن‌زبیر، ایجاد تنگنای مالی برای علویان از سوی عباسیان و نداشتن پوشش کافی زنان علوی برای اقامه نماز، فرمان هزار تازیانه زدن به خاطر نقل حدیثی از پیامبر (ص)، درباره محبت به علی و حسنین، هزار تازیانه خوردن بر اثر اتهام ناسزاگویی به ابوبکر و عمر و انداخته شدن جسد در دجله، دریغ کردن برخی عالمان از فرستادن صلوات بر آل پیامبر، وضعیت بسیار اسفبار بنی‌هاشم در عصر امویان، رواج ناسزاگویی به علی و حسنین و فاطمه، افتخار به ناسزاگویی به علی، حسنین و فاطمه، ناخشنودی یاد علی و فاطمه در قرن دوم، ناسزا گفتن به فاطمه از سوی خلیفه عباسی، منفورترین شهر شهری است که بنی‌هاشم در آن ساکنند، آن هم از سوی یکی از همسران پیامبر و خشنودی یکی از همسران پیامبر از رحلت فاطمه، اشاره کرد [۳، ج ۲، ص ۱۱۷۴؛ ۲۹، ج ۱، ص ۴۹۷؛ ۳۱، ج ۱، ص ۱۶۸؛ ۵، ج ۴، ص ۶۲؛ ۱۶، ص ۴۷۹؛ ۴۰، ج ۱۳، ص ۲۹۰؛ ۱۱، ج ۱۳، ص ۱۳۵؛ ۶۲، ج ۲، ص ۲۷۹؛ ۳۰، ج ۹، ص ۱۰۳؛ ۶۷، ج ۷، ص ۲۵۵؛ ۵، ج ۴، ص ۶۱؛ همان، ج ۴، ص ۶۱؛ ۸۰، ج ۸، ص ۱۶۰؛ ۶۹، ص ۳۲۸؛ ۲، ج ۲، ص ۴۸۷؛ ۵، ج ۹، ص ۱۹۸].

۲.۵.۷. تأکید بر دوست داشتن حضرت علی(ع) از سوی پیامبر(ص) و اینکه این دوستی او حسنه‌ای است که سیئه‌ای به آن ضرر نمی‌رساند و نیز سبب ایمان می‌گردد و دشمنی با علی(ع) سبب کفر می‌شود [۸۵، ج ۳۹، ص ۲۶۶؛ ۵۸، ص ۲۰۶]. به احتمال فراوان به شرایطی ناظر است که امام علی(ع) به شدت مورد بغض و کینه بوده است. لذا در این شرایط تنها مؤمنان، دوستدار او هستند. دشمنی قریش با امام علی(ع)، دشنام برخی نخبگان بر منبر به آن حضرت، اظهار خوشنودی یکی از همسران پیامبر(ص) پس از شنیدن خبر شهادت امام علی(ع)، بریدن دست و پای شیعیان و مصادره اموال آنان، خوش‌تر بودن نسبت زندقه و کفر به اشخاص در مقایسه با انتساب به حضرت علی(ع)،

۱. در مواجهه با چنین احادیثی که مشتمل بر ثواب‌های فراوانی است و از سوی دیگر با وجود اکثریت شیعه و وجود امنیت در کشوری مثل ایران، چند گزینه وجود دارد: یا مثل برخی پژوهشگران گفت: هرگاه عملی اندک و ثواب فراوانی در حدیثی وعده داده شد، چنین حدیثی جعلی است [۹۲، صص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۴؛ ۲۸، صص ۲۴-۲۴۷]، در نتیجه یا باید حکم به جعلی بودن چنین احادیثی کرد و یا با ارائه تحلیل مذکور از موسوم به جعلی بودن چنین احادیثی، اجتناب کرد. در غیر این صورت رویکرد تساوی ثواب، در همه شرایط شبهه تعارض با عدل الهی را فراهم می‌کند.

سنت شدن دشنام به امام علی (ع) در عصر امویان، نامیدن افراد به اسم علی از سوی والدین، به معنای عاق شدن آنان، وادار کردن خطیبان به لعن امام علی(ع) بر منبر، دوستی با امام علی(ع) مساوی با کشته شدن، قطع دست و پا، میل کشیدن بر چشمان، به دارکشیدن بر تنه درختان خرما، آواره شدن از شهر و دیار، حذف نام دوستداران امام علی(ع) از بیت المال، نهی امام صادق(ع) از یادکرد امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) به دلیل ناخوشایند بودن آن نزد مردم و دست آخر شعبی، از دانشیان مسلمان، شرایط سخت دوستی با امام علی را این‌گونه ترسیم می‌کند: ما درباره خاندان ابوطالب گیر افتاده‌ایم؛ اگر آنان را دوست بداریم، کشته می‌شویم و اگر دشمن داریم، جهنمی می‌گردیم [۴۵؛ ۲۴۶؛ ۴۰، ج ۸، ص ۲۶۱؛ ۹، ج ۳، ص ۲۹؛ ۵، ج ۱۱، ص ۴۴، ۵۸؛ همان، ج ۴، ص ۵۶؛ ۷، ج ۳، ص ۱۷۵؛ ۶۵، ج ۱، ص ۳۸۶؛ ۵، ج ۱۱، ص ۴۴؛ ۶۷، ج ۶، ص ۲۷؛ ۲، ج ۶، ص ۲۳۷؛ ۸۰، ج ۸، ص ۱۶۰؛ ۲۰، ج ۱، ص ۳۹۷]. این وضعیت گویای وجود شرایط سختی برای دوستداران و پیروان علی است. در چنین شرایطی که دوستی امام علی(ع)، با چنین هزینه‌هایی روبه‌رو است؛ محتمل است که وعده ثواب‌هایی که درباره دوستی با امام علی(ع) بیان گردیده، به چنین شرایطی ناظر است. ناگفته نماند آن وعده ثواب‌ها برای افرادی که در شرایط مشابه قرار گرفته‌اند، صادق خواهد بود. البته بدیهی است که دوستی با امام علی(ع) در شرایطی متفاوت از شرایط مذکور (در شرایط آرامش و رفاه)، بی‌اجر و ثواب نیست؛ ولی به‌زعم نگارنده، آن ثواب‌ها و وعده‌های مربوط به دوستی با امام علی(ع)، ناظر به آن شرایط سخت و خفقان‌آور بوده است.

۳.۵.۷. در روایات، زیارت قبر امام حسین(ع)، زیارت خداوند بر بالای عرش، سبب بخشودگی گناهان گذشته و برترین اعمال یاد شده است [۱۳، ص ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۴۷؛ ۹۰، ج ۶، ص ۴۹۵]. به نظر نگارنده احادیثی از این دست، به شرایطی از قبیل: نذر و نیاز مردم برای کشته شدن امام حسین(ع)، تخریب قبر امام حسین(ع)، زیارت قبر امام حسین(ع) و مساوی بودن آن با شکنجه و قتل و ترس از دستگیری [۵، ج ۴، ص ۶۱؛ ۱۶، ص ۴۷۸؛ ۱۱، ج ۷۲، ص ۱۶۸؛ ۱۳، صص ۱۲۰-۱۲۱، ۱۳۵-۱۳۶؛ ۱۶، ص ۴۷۸]، ناظر است. بر این اساس، در روایات زیارت قبر امام حسین(ع) در شرایط سخت، دارای ثواب بیشتری نسبت به شرایط دیگر عنوان شده است. برای مثال محمد بن مسلم می‌گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: «آیا به زیارت قبر حسین بن علی می‌روی؟» عرض کردم: با هول و هراس. فرمود: «ثواب زیارت بر پایه ترسی است که دچار می‌شوی. هر اندازه ترس

و بیم بیشتر باشد، ثواب آن بیشتر است» [۱۳، ص ۱۳۷]. براین پایه و نیز بر اساس فرمایش پیامبر(ص): «افضل الاعمال احمزها» [۸۳، ج ۴، ص ۸۱؛ ۸۶، ج ۷، ص ۸۴]؛ می‌توان نتیجه گرفت که ثواب‌های ذکر شده بر آن شرایط دشوار مبتنی است و نمی‌توان آن ثواب‌ها را به شرایط امن همراه با رفاه کامل سرایت داد. شهید مطهری و مرحوم میرزامهدی اصفهانی پایه‌گذار مکتب تفکیک، در این باره که برخی روایات زیارت قبر امام حسین(ع) را مستحب شمرده‌اند [۳۴، ج ۱۰، ص ۳۲۷]؛ و برخی دیگر به زیارت قبر امام حسین(ع) ارشاد و راهنمایی کرده و آثار زیارت را بیان کرده [همان، ص ۳۴۶]؛ و برخی دیگر از روایات که زیارت قبر امام حسین(ع) را واجب دانسته‌اند [همان، صص ۳۲۱، ۳۳۳، ۳۴۰]، معتقدند بیان‌های مختلف بر پایه شرایطی بوده که امام(ع) طبق آن شرایط، به توصیه‌های گوناگون پرداخته است [۹۵، ج ۲، ص ۲۳].

۴.۵.۷. در منابع حدیثی، روایاتی دال بر ثواب‌های فراوان در گریستن بر امام حسین(ع) نقل شده است. برای مثال امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که در مصیبت حسین(ع) بگرید، هرچند اندک، خداوند پادش عملش را بهشت قرار می‌دهد» [۱۳، صص ۱۰۶-۱۱۱]. ثواب‌های فراوان به شرایطی ناظر است که افراد در گریستن بر امام حسین(ع)، آزادی عمل نداشته‌اند. شاهد این مطلب، گزارشی است که سفیان بن مصعب عبدی شاعر نقل کرده است. او می‌گوید: به منزل امام صادق(ع) رفتم. امام فرمود: «به دخترم، ام‌فروه بگویند که بیاید، مرثیه جدش را بشنود». ام‌فروه آمد و پشت پرده نشست و امام به من فرمود: «بخوان». من خطاب به ام‌فروه گفتم: ای ام‌فروه! اشک‌های ریزانت را نثار کن... ام‌فروه صیحه زد و زنان نیز صیحه زدند، در این هنگام امام صادق(ع) فرمود که مواظب در منزل باشید^۱ [۸۰، ج ۸، ص ۲۱۶].

۵.۵.۷. در برخی احادیث، پادش فراوانی برای زیارت قبر امام رضا(ع) ذکر شده است. برای مثال، زیارت قبر امام رضا(ع) سبب بخشودگی گناهان گذشته و آینده زائر بیان شده است [۸۰، ج ۴، ص ۵۸۵؛ ۶۲، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ۹۰، ج ۶، ص ۵۱۰].

به نظر می‌رسد احادیثی از این قبیل به شرایط خاصی ناظر است، از قبیل تلقی تساوی زیارت امام رضا(ع) در قرن چهارم با نامسلمانی و همراه بودن زیارت آن حضرت با خطرهایی از قبیل تاراج اموال زائر در راه [۶۲، ج ۲، صص ۲۸۱، ۲۸۵]. پیش‌تر نیز واقفه با انکار امامت حضرت رضا(ع) و دریغ از سپردن اموال به امام [همان، ج ۱،

۱. از مخالفان کسی مطلع نشود.

ص ۱۱۳] و همچنین آزار رساندن به امام رضا(ع) از سوی برخی خویشاوندان [۸۰، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۳]، به دشواری شناخت مقام امامت حضرت رضا(ع) و اعتقاد به او دامن زدند. در نتیجه زیارت قبر امام رضا(ع) عمل عبادی آسان نبود. بر این اساس، می‌توان گفت: به دنبال آن، فضای محافل شیعی مسموم شد، تا آنجا که خویشاوندان امام نیز به آزار و اذیت او روی آوردند [۸۰، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۳].

۶.۵.۷. در میراث حدیثی، برخی شهرها مدح و برخی ذمّ شده‌اند. برای مثال از قم و کوفه و اهالی آن دو مدح شده است؛ مثلاً دربارهٔ قم دور بودن آن از بلا، پناهگاه بودن قم برای آل محمد و رهایی از فتنه عنوان شده است [۸۵، ج ۶۰، صص ۲۱۴-۲۱۵]؛ چنان‌که دربارهٔ کوفه در مقطعی، امام علی(ع) از آن تمجید کرده و در مقطعی دیگر کوفه و بصره را مذمت کرده است؛ از قبیل نفرین امام علی(ع) در حق کوفیان، وجود نه دهم شر و بدی در بصره، سفیهانه بودن افکار بصریان و بصره و محل نزول ابلیس [۴۵، ۴۶، ۳۷۵، ۵۶].

به نظر می‌رسد بر فرض صدور روایات مدح^۱ چنین روایاتی بر شرایط خاص قم در زمان صدور روایات مذکور ناظر است. در شرایطی که سراسر ایران سنی مذهب بودند، قم تنها شهری بود که سنی مذهب نداشت [۹۹، ص ۳۹۵؛ ۳۹، ج ۴، ص ۳۹۸]. مدح کوفه نیز به زمانی مربوط است که کوفیان در جنگ جمل به یاری امام علی(ع) شتافتند [۳۰، ج ۳، ص ۵۸؛ ۹۷، ص ۲۱۶؛ ۹۸، صص ۲۷-۲۸] و مذمت کوفیان نیز مربوط به زمانی است که آنان از رفتن به جنگ شامیان خودداری کردند [۳۲، ص ۲۳۰؛ ۴۵، ص ۶۶]. مذمت بصره و بصریان به زمانی ناظر است که آنان به یاری پیمان‌شکنان در جنگ جمل شتافتند و همواره در قرن اول، دوم و سوم عثمانی مذهب بوده و بسیاری از اهالی آن،

۱. از منظر شهید مطهری، شاید ۹۵ درصد خبرها و احادیثی که در فضیلت شهرهاست، چیزهایی بوده است که افراد خواسته‌اند به نفع خودشان بگویند. او از آیت‌الله بروجردی نقل می‌کند که اصل اولیه در اغلب اخبار و روایاتی که در مدح و ذم بلدان، خواص میوه‌جات و فضایل افراد وجود دارد، عدم حجیت است؛ برای اینکه طرفین شیعه و سنی آن‌ها را به نفع خود ساخته‌اند [کیهان اندیشه، ش ۱، ص ۱۸]. مرحوم آصف محسنی دربارهٔ روایات مدح و ذم شهرها می‌نویسد: روایاتی که مرحوم مجلسی [۸۵، ج ۶۰، صص ۲۰۱-۲۴۱] در مدح و ذم شهرها نقل کرده است، همگی یا بیشتر آن‌ها سند معتبری ندارند؛ مگر برخی که با قرائن صحت آن‌ها را بتوان به دست آورد. سپس دربارهٔ مدح شهرها می‌نویسد: ظاهراً مدح شهرها و مکان‌ها یا به فراوانی محصول آب و خوبی هوای آن باز می‌گردد، یا به خوبی ساکنان آنجا در آن عصر مربوط است. چه بسا در شرایط دیگری همین شهرها ستوده نشوند [۸۹، ج ۲، ص ۲۹۴].

بُغض علی(ع) را در دل داشتند؛ چنان که درباره آنان می‌گفتند: «البصره کلها عثمانیه، و اکثر مبغضیه علیه‌السلام اهل البصره، انهم عثمانیه، فیهم انحراف عن علی(ع)». همچنین آنان را اموی تلقی می‌کردند تا آنجا که درباره آنان گفته می‌شد: «قطعة من أهل الشام نزلوا بین أظهرنا» [۱۰۰، ج ۹، ص ۲۳۵؛ ۹، ج ۶، ص ۳۳۵؛ ۵، ج ۴، ص ۹۴]. براین اساس، روایات مدح و ذم شهرها، گزاره‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر و به مقطع خاصی مربوط هستند.

۶.۷. توجه به مَصَبِّ حدیث

یکی دیگر از راهکارهایی که برای مصون ماندن از تعمیم‌گرایی قابل طرح است، توجه به مَصَبِّ حدیث یا موردی که نظر امام به آن است. در نتیجه پژوهشگر بر پایه آن، از تعمیم‌گرایی مصون می‌ماند. در ادامه به مواردی اشاره می‌شود:

۱.۶.۷. عبدالملک بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام (۱۴۸-۸۳) به من فرمود: «ای عبدالملک! چرا نمی‌بینم که تو به سوی مواضعی بروی که همشهریانت می‌روند؟» گفتم: کجا؟ فرمود: «جده، آبادان، مصیصه و قزوین». عرض کردم: در انتظار فرمان شما هستم و به شما اقتدا کرده، امام فرمود: «آری، به خدا سوگند اگر این کار خیر بود، به هیچ‌وجه آن‌ها بر ما پیشی نمی‌گرفتند». گفتم: طائفة زیدیه می‌گویند: تنها اختلاف ما با «جعفر» این است که او به جهاد نظر ندارد. فرمود: «من به جهاد نظر ندارم؟! چرا، به خدا سوگند من به جهاد نظر دارم؛ ولی خوش ندارم که علم و دانش خود را رها کنم» [۸۰، ج ۵، ص ۱۲۱]. قابل ذکر است که برخی صاحب‌نظران، حدیث مذکور را دال بر عدم تأیید فتوحات خلفای صدر اسلام از سوی امام صادق(ع) دانسته‌اند [۹۳، صص ۱۷۱-۱۷۲]. با ملاحظه روایت مذکور، روشن می‌شود که مَصَبِّ روایت، فتوحات خلفای اموی (۱۳۲-۴۱) و عباسی (۱۳۲) است، لذا حدیث مذکور، به فتوحات خلفای صدر اسلام (۳۵-۱۱)، ناظر نیست. لذا استناد آقای جعفر مرتضی، بر عدم تأیید فتوحات از سوی امام صادق(ع) صحیح نمی‌باشد.

۲.۶.۷. بر اساس حدیثی معتبر شخصی از امام(ع) درباره جهاد و مرزبانی پرسید. امام(ع) در پاسخ فرمود: «بر شما باد به انجام حج و رفتن به مکه» [۸۰، ج ۴، ص ۲۶؛ ۹۰، ج ۳، ص ۳۸۵]. برخی فقیهان بر اساس وجوب جهاد در قرآن و نیز هم‌زمانی امام(ع) با حاکمان ستمگر و تقویت آنان در صورت همراهی با لشکر کشی‌های آن‌ها، معتقدند حدیث مذکور زمانمند است [۴۲، ج ۲، ص ۴۱۱؛ ۹۰، ج ۳، ص ۳۸۶].

۸. خاستگاه تعمیم‌گرایی

براساس آنچه گذشت، عوامل گوناگونی در تعمیم‌گرایی گزاره‌های حدیثی دخیل هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۸. جاودانگی اسلام

مسلمانان، دین اسلام را جاودانه و برای همهٔ انسان‌ها می‌دانند. آنان معتقدند پس از دین اسلام، دین دیگری نخواهد آمد [۳۸، ص ۳۵۹؛ ۷۳، ص ۲۹۳؛ ۴۶، ج ۳، ص ۴۷۳، ۴۸۵؛ ۸۸، ج ۳، صص ۸۲-۸۳]. براین اساس، آموزه‌های دینی و حدیثی را فرازمان و فرااشخاص می‌دانند. تلقی مذکور یکی از عوامل تعمیم‌گرایی آموزه‌های حدیثی است.

۲.۸. تصور قانونگذار بودن پیامبر و امام

تصور بیشتر دانشیان مسلمان در مورد شئون معصوم، به شأن تبلیغ و قانونگذاری معطوف گشته است [۸۸، ج ۳، صص ۱۳۷-۱۳۸] و در نتیجه آموزه‌های معصوم (ع) را همواره ابدی تلقی می‌کنند. بر این تصور، معصوم صرفاً بر کرسی تشریح و قانونگذاری نشست است. به عبارت دیگر، سرایت بُعد تشریحی معصوم، بر همهٔ آموزه‌های حدیثی، سبب تعمیم‌گرایی گزاره‌های حدیثی شده است.

۳.۸. بی‌توجهی به متکلم بودن پیامبر و امام

بسیاری از دانشیان مسلمان، گمان می‌کنند همهٔ آموزه‌های معصوم (ع)، صرف‌نظر از شرایط متکلم ادا شده است. در صورتی که معصوم به عنوان یک متکلم ورزیده به شرایط زمانی، مکانی و شرایط مخاطب خویش توجه دارد؛ زیرا اگر شرایط مخاطب لحاظ نشود، معصوم و هر متکلمی به نادانی متهم می‌شود. یکی از عوامل مهم تعمیم‌گرایی آموزه‌های حدیثی، بی‌توجهی به متکلم بودن معصوم است.

۴.۸. الگو بودن معصوم (ع)

بر پایهٔ آموزه‌های قرآنی از قبیل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» [النساء: ۵۹] و نیز «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» [الحشر: ۷] و حدیث ثقلین لازم است مسلمانان از معصوم (ع) پیروی کنند. لزوم تبعیت از معصوم (ع) سبب گردیده که برخی افراد تصور کنند، همهٔ گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیرند.

۵.۸. سرایت رویکرد فقیهان به آموزه‌های احادیث غیر فقهی

فقیه در دانش فقه به دنبال استنباط مقررات کلی برای پاسخ به نیازهای مکلفان در شرایط مختلف است. نگاه مذکور سبب گردیده که آموزه‌های حدیثی، کلی انگاشته شوند. در این نگاه، معصوم هم‌چون فقیه انگاشته شده که در صدد ارائه فتاوی کلی است. کلی تلقی کردن آموزه‌های حدیثی در فقه سبب شده است که نگاه مذکور به آموزه‌های غیر فقهی نیز گسترش یابد.

۶.۸. نیاز قاضیان به گزاره‌های کلی

یکی از عوامل کلی‌نگری که از امور قضایی به سرتاسر فقه سرایت یافت، ماهیت کار قاضیان است. آنان برای اجرای احکام، به برداشت‌های کلی از گزاره‌های حدیثی نیازمند هستند، تا بتوانند با تطبیق آن آموزه‌های حدیثی بر مصادیق، حکم دهند. در این نگاه، قاضی به این نیازی نمی‌بیند که آیا اجرای حدود از سوی معصوم (ع) در شرایط خاصی بوده یا شرایط در اجرای حد، موضوعیت نداشته است.

۷.۸. بی‌اطلاعی از شأن صدور احادیث

ناآگاهی از شأن صدور عامل دیگری در تعمیم‌گرایی است. اگر جغرافیای صدور احادیث به نسل‌های بعدی منتقل شده بود، به وضوح معلوم می‌گشت که برخی از آموزه‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر هستند. شأن صدور برخی از احادیث که پیش از این به آن‌ها اشاره شد به خوبی هشدار می‌دهد که همه گزاره‌های حدیثی تعمیم‌پذیر نیستند و پژوهشگر می‌باید به تکاپو بپردازد، تا مبدا آموزه‌ای تعمیم‌ناپذیر را تعمیم‌پذیر تلقی کند.

۸.۸. هوای نفسانی

گاه هوای نفسانی سبب می‌گردد که آموزه‌های حدیثی تعمیم‌ناپذیر، کلی و تعمیم‌پذیر تلقی شوند. برای مثال زید بن موسی بن جعفر در جهت اقدامات خویش تصور می‌کرد که بشارت پیامبر (ص) به فرزندان حضرت فاطمه (س) در خصوص رهایی از آتش شامل او نیز می‌شود [۶۲، ج ۲، ص ۲۳۳].

۹.۸. بی‌توجهی به مصب حدیث

گفته شد امام (ع) در هنگام سخن گفتن مثل هر متکلمی به موردی نظر دارد که از آن

تعبیر به مصب حدیث می شود. برخی افراد تصورشان این است که معصوم در خلأ سخن می گوید و لذا این افراد آموزه‌های حدیثی معصوم را تعمیم‌پذیر تلقی می‌کنند. پیش از این اشاره گردید که امام صادق(ع) فتوحات زمان خویش را مذمت کرده و از شرکت در آن‌ها خودداری ورزیده است؛ ولی آقای جعفر مرتضی مذمت امام نسبت به فتوحات را به فتوحات دوران خلیفه اول، دوم و سوم تعمیم داده است.

نتیجه‌گیری

براساس متن پیش‌رو، گزاره‌های حدیثی به «گزاره‌های تعمیم‌پذیر» و «گزاره‌های تعمیم‌ناپذیر»، تقسیم می‌گردند. معصومان(ع) به تعمیم‌ناپذیری برخی از گزاره‌های حدیثی اذعان کرده‌اند. از همان صدر اسلام برخی از دانشیان و مسلمانان از آموزه‌های حدیثی برداشت تعمیم‌پذیر و تعمیم‌ناپذیر داشته‌اند. بعدها دانشیان مسلمان، برای تفکیک این دو نوع گزاره حدیثی تلاش کرده‌اند. آنان با ارائه راهکارهایی از قبیل قضیه فی واقعه، قضیه حقیقه و خارجی، احکام ثابت و متغیر درصدد جدا سازی بوده‌اند. این تلاش‌ها معمولاً کلی بوده و از ابهام خالی نبوده است. در این نوشتار تلاش گردید با ارائه چند راهکار از قبیل شأن صدور، تصریح معصوم، بی‌تأثیری رفتاری در زمانی دیگر، نبودن مصداق در شرایط امروزی، متکلم بودن امام و پیامبر و توجه به مصب حدیث و آوردن مثال‌های مناسب، آموزه‌های حدیثی تعمیم‌پذیر از آموزه‌های تعمیم‌ناپذیر جدا گردند. همچنین خاستگاه تلقی تعمیم‌پذیری گزاره‌های حدیثی از قبیل جاودانگی اسلام، تصور قانونگذار بودن پیامبر و امام، بی‌توجهی به متکلم بودن پیامبر و امام، الگو بودن معصوم، سرایت رویکرد فقیهان به آموزه‌های احادیث غیرفقهی، نیاز قاضیان به گزاره‌های کلی، بی‌اطلاعی از شأن صدور، هوای نفسانی و بی‌توجهی به مصب حدیث، بیان گردید.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن اعثم کوفی، احمد بن اعثم (۱۴۱۱). الفتوح. بیروت، دار الاضواء.
- [۳]. ابن حنبل، احمد بن حنبل (۱۴۳۰). فضائل الصحابه. قاهره، دار ابن الجوزی.
- [۴]. _____ (۴). مسند. بیروت، دار صادر.
- [۵]. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۴). شرح نهج البلاغه. تهران، انتشارات جهان.
- [۶]. ابن خلدون، عبدالرحمان بن خلدون (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون. بیروت، دار الفکر.
- [۷]. ابن خلکان، احمد بن محمد (۴). وفيات الاعیان. بیروت، دار الفکر.

- [۸]. ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم (۱۴۱۲). مسند. مدينة المنورة، مكتبة الايمان.
- [۹]. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى. بيروت، دارالكتب العلمية.
- [۱۰]. _____ (۱۴۱۴). الطبقات الكبرى. بيروت، دارالفكر.
- [۱۱]. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ مدينة دمشق. بيروت، دار الفكر.
- [۱۲]. ابن فهد حلی، محمد بن فهد (۱۴۱۱). المهذب البارع. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۱۳]. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۷۵). كامل الزيارات. تهران، مكتبة الصدوق.
- [۱۴]. ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی (۱۴۱۸). السنن. بيروت، دارالجیل.
- [۱۵]. ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی (؟). السنن. بيروت، دارالفكر.
- [۱۶]. ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۷۴). مقاتل الطالبیین. قم، شریف الرضی.
- [۱۷]. _____ (۱۴۱۵). الاغانی. بيروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۱۸]. ابو داود، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰). السنن. بيروت، دارالفكر.
- [۱۹]. ابوریه، محمود (؟). شیخ المزیرة. بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- [۲۰]. اسد حیدر (۱۴۰۳). الامام الصادق و المذاهب الاربعه. بيروت، دار الكتاب العربی.
- [۲۱]. افندی، عبد الله بن عیسی بیگ (؟). تعلیقة امل الآمل. قم، کتابخانه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- [۲۲]. _____ (؟). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. بيروت، مؤسسة التاريخ العربی.
- [۲۳]. ایازی، محمد علی (۱۳۷۳). اسلام و تنظیم خانواده. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۴]. آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۰). كشف الرموز. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۵]. بحر العلوم، مهدی (۱۴۲۲). رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم. با مقدمه و شرح محمد حسین حسینی طهرانی، مشهد، انتشارات نور ملکوت قرآن.
- [۲۶]. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناضره. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۷]. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۸]. بستانی، قاسم (۱۳۸۶). معیارهای شناخت احادیث ساختگی. اهواز، رشش.
- [۲۹]. بسوی، یعقوب بن سلیمان (۱۴۰۱). المعرفة و التاريخ. بيروت، مؤسسه الرساله.
- [۳۰]. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۲۴). انساب الاشراف. بيروت، دار الفكر.
- [۳۱]. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۰۵). دلائل النبوه. بيروت، دار الکتب العلمیه.
- [۳۲]. ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۷۱). الغارات. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۳۳]. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۰). منابع فقه. تهران، انتشارات نور.
- [۳۴]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). وسائل الشیعه. بيروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۳۵]. حسن بگی، علی (۱۳۹۷). در آمدی بر فرآیند فهم حدیث. اراک، دانشگاه اراک.
- [۳۶]. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۱۴). روح مجرد. تهران، انتشارات حکمت.
- [۳۷]. حسینی طهرانی، محمد صادق (۱۴۳۳). نور مجرد. مشهد، انتشارات علامه طباطبائی.
- [۳۸]. حلی، حسن بن المطهر (۱۴۰۷). كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳۹]. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان. بيروت، دار الاضواء.
- [۴۰]. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. بيروت، دار الکتب العلمیه.

- [۴۱]. خوانساری، احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک. تهران، مكتبة الصدوق.
- [۴۲]. خوبی، ابوالقاسم (؟). منهاج الصالحین. قم، مدرسه الامام باقر العلوم (ع).
- [۴۳]. _____ (۱۴۱۰). كتاب الطهارة. قم، دارالهادی.
- [۴۴]. دارمی، عبدالله بن بهرام (؟). السنن. دمشق، مطبعة الاعتدال.
- [۴۵]. رضی، محمد بن الحسین (؟). نهج البلاغة. قم، مؤسسة دار الهجرة.
- [۴۶]. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). الالهيات. قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- [۴۷]. _____ (۱۳۷۹). «مبانی تحول پذیری در گفت‌وگو با آیت‌الله سبحانی». قبسات، تهران، شماره ۱۵ و ۱۶، زمستان، صص ۷۶-۸۵.
- [۴۸]. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضی. قم، دار القرآن الکریم.
- [۴۹]. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱). الجامع الصغیر. بیروت، دارالفکر.
- [۵۰]. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۸). تنویر الحوالمک. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۵۱]. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳). كتاب الامّ. بیروت، دارالفکر.
- [۵۲]. شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۴). مسالك الافهام. قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- [۵۳]. صافی، علی (۱۳۸۴). تبيان الصلوة. تقریرات بحث آية الله العظمی البروجردی، قم، گنج عرفان للطباعة و النشر.
- [۵۴]. صبحی صالح (۱۳۶۳). علوم الحديث و مصطلحه. قم، منشورات شریف الرضی.
- [۵۵]. صدر، حسن (؟). نهاية الدراية. بی‌جا، نشر المشعر.
- [۵۶]. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶). الخصال. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۵۷]. _____ (۱۳۸۵). علل الشرايع. قم، مكتبة الداوری.
- [۵۸]. _____ (۱۴۳۱). معانی الاخبار. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۵۹]. _____ (۱۳۹۸). التوحيد. طهران، مكتبة الصدوق.
- [۶۰]. _____ (۱۳۸۵). من لا يحضره الفقيه. ترجمه: علی‌اکبر غفاری، محمدجواد غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۶۱]. _____ (۱۴۰۴). من لا يحضره الفقيه. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۶۲]. _____ (۱۳۷۸). عيون اخبار الرضا. تهران، نشر جهان.
- [۶۳]. _____ (۱۳۷۱). الاعتقادات. قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- [۶۴]. صفری، علی‌اکبر (۱۳۹۴). حائری‌نامه. قم، انتشارات مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
- [۶۵]. صنعانی، یوسف بن یحیی (۱۹۹۹). نسمة السحر بذكر من تشيع و شعر. بیروت، دارالمورخ العربی.
- [۶۶]. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۲). الميزان فی تفسیر القرآن. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۶۷]. طبری، محمد بن جریر (؟). تاریخ الطبری. بیروت، دار التراث.
- [۶۸]. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۶۹]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الامالی. قم، دارالثقافه.
- [۷۰]. عنایت، حمید (۱۳۶۵). سیری در اندیشه سیاسی عرب. تهران، انتشارات امیر کبیر.
- [۷۱]. _____ (۱۳۶۵). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. تهران، خوارزمی.

- [۷۲]. غفاری، علی‌اکبر (۱۳۶۹). «گفت‌وگو با استاد علی‌اکبر غفاری». آئینه پژوهش، قم، شماره ۳، مهر و آبان، صص ۵۶-۶۵.
- [۷۳]. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۲). اللوامع الالهیه. قم، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.
- [۷۴]. فاضل میبدی، محمد تقی (۱۳۷۶). یادنامه خاتمی (مجموعه مقالات علمی و تحقیقی). قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع).
- [۷۵]. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی. اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع).
- [۷۶]. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم، مؤسسه آل‌البتیت(ع).
- [۷۷]. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- [۷۸]. کاشف الغطا، جعفر (؟). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الفراء. قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۷۹]. کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۳۷۶). فوائد الاصول. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۸۰]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۸۱]. مالک بن انس (۱۴۲۵). الموطأ. ابوظبی، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریه و الإنسانیه.
- [۸۲]. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵). هرمنوتیک، کتاب و سنت. تهران، طرح نو.
- [۸۳]. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳). روضه المتقین. تهران، کوشانیور.
- [۸۴]. _____ (۱۴۱۴). لوامع صاحبقرانی. قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۸۵]. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران، المكتبة الاسلامیه.
- [۸۶]. _____ (۱۴۰۴). مرآه العقول. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۸۷]. مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (۱۳۷۴). تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- [۸۸]. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۸). صراط الحق. قم، منشورات ذوی القربی.
- [۸۹]. _____ (۱۳۸۱). مشرعه البحار. قم، مکتبه العزیزی.
- [۹۰]. _____ (۱۳۹۲). معجم الاحادیث المعتمره. قم، دار النشر الادیان.
- [۹۱]. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۶). مجمع الفائده و البرهان. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۹۲]. مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۶۲). علم الحدیث. قم، انتشارات اسلامی.
- [۹۳]. مرتضی عاملی، جعفر (۱۳۶۱). تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن(ع). ترجمه محمد سپهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۹۴]. مسلم، مسلم بن حجاج (۱۴۲۰). صحیح مسلم بشرح الامام النووی. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۹۵]. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). اسلام و مقتضیات زمان. تهران، صدرا.
- [۹۶]. _____ (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران، انتشارات صدر.
- [۹۷]. مفید، محمد بن محمد (؟). الجمل، قم، داوری.
- [۹۸]. _____ (۱۳۷۱). الکافئه. قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- [۹۹]. مقدسی، محمد بن احمد (۱۴۱۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. قاهره، مکتبه مدبولی.
- [۱۰۰]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین(ع). قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب(ع).
- [۱۰۱]. مناوی، عبدالرؤف (۱۴۱۵). فیض القدر. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۱۰۲]. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). دراسات فی ولایه الفقیه. قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- [۱۰۳]. موسوی قزوینی، ابراهیم (؟). ضوابط الاصول، قم، بی‌نا.
- [۱۰۴]. همدانی، عبدالصمد (۱۳۷۰). بحر المعارف. تهران، انتشارات حکمت.